

تأثیر نقش فرهنگ استراتژیک بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی ایران رشید رکابیان^۱، سمانه طهماسبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

چکیده:

فرهنگ استراتژیک مجموعه‌ای از ارزشهای سیاسی و عقاید فرهنگی است که دیدگاه اعضای یک جامعه در مورد تهدیدات، امنیت ملی، جایگاه نظامیان به عنوان یک نهاد و استفاده از زور در روابط بین‌الملل را توضیح می‌دهد. ازدیدگاه برخی از محققان روابط بین‌الملل فرهنگ استراتژیک بازتاب عمیقی بر تصمیم‌گیری سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی دولت‌ها دارد. براین اساس سیاست تسلیحاتی-امنیتی هر کشور، واکنشی به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف‌های اساسی آن کشور است. براین اساس هر دولتی محیط پیرامون امنیتی خود را در عرصه منطقه‌ای و جهانی تعریف نموده و تهدیدها را شناسایی می‌کند، تا برای مقابله با آن، برنامه‌ریزی کند. بنابراین درک و برداشت درست و منطقی از محیط امنیتی و تهدیدهای منطقه‌ای بیشترین تأثیر را بر سیاست و راهبرد تسلیحاتی هر دولت می‌گذارد. که جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس سؤال اصلی مقاله این است که فرهنگ استراتژیک ایران چه تأثیری بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی این کشور داشته است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مطرح می‌کند که مؤلفه‌های متعددی بر شکل‌دهی فرهنگ استراتژیک ایران مؤثرند و می‌توان گفت تجارب تاریخی، آموزه‌های دینی-اسلامی و جغرافیا بیش از هر مؤلفه دیگری در شکل‌دهی به فرهنگ استراتژیک ایران اسلامی نقش داشته‌اند.

واژگان اصلی: فرهنگ استراتژیک، سیاست تسلیحاتی، امنیت ملی، ایران.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)

ra.recabian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

فرهنگ استراتژیک، رویکرد جدیدی در مطالعات امنیتی و سیاست خارجی است که تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتار استراتژیک کشورها را بررسی می‌کند. رفتار استراتژیک گونه‌ای از رفتار است که به مسائل اساسی امنیت ملی و کاربرد زور در مقابل دیگر کشورها مرتبط می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از جمله بازیگرانی است که بیش از هر کشور دیگری بر موضوع امنیت ملی تأکید می‌ورزد. فرهنگ استراتژیک رویکرد مناسبی است که مؤلفه‌های مختلف فرهنگی از جمله تأثیر تجربیات تاریخی بر رفتار استراتژیک ایران را تبیین می‌کند. دراین نوشتار به بررسی فرهنگ استراتژیک برسیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌پردازد.

از مهمترین جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های دولت‌ها، فرهنگ استراتژیک است که رویکرد جدیدی در مطالعات امنیتی است و تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتار استراتژیک دولت‌ها را بررسی می‌کند. اما رفتار استراتژیک گونه‌ای از رفتار است که به مسائل اساسی امنیت ملی و کاربرد زور در مقابل دیگر کشورها مرتبط است. از طرفی دیگر مهمترین دغدغه دولت‌ها تلاش برای حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات متنوعی است که حیات و بقا و یا توسعه و پیشرفتشان را به مخاطره انداخته است از این رو تقویت مؤلفه‌های قدرت درونی و ارتقای بینه دفاعی از اهم اولویتهای سیاست‌گذاری دولت‌ها است. سیاست تسلیحاتی در هر دولت برنامه جامع و مشی کلان عملیاتی در جهت تحقق چنین اهدافی است. بنابراین کیفیت تکنولوژی تسلیحاتی یکی از عامل‌های اساسی در ارتقای توانایی کشورها محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی و نیز مختصات سیاسی وایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن با طیف وسیعی از تهدیدات سخت و نرم روبه‌رو بوده و از این جهت نیازمند تدوین سیاست تسلیحاتی مناسب با وضعیت جغرافیایی، مبانی، ارزش‌ها، اهداف راهبردی و متغیرهای محیطی و فرامحیطی تأثیر گذار بوده است. بنابراین فرهنگ استراتژیک یکی از محرک‌های مهم اثرگذار درسیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است و مدیریت هوشمندانه کشور در بهره برداری از عناصر مختلف فرهنگ استراتژیک، در نتیجه نهایی سیاست‌های تسلیحاتی و برنامه‌های امنیت ملی نقش اساسی دارد. فرهنگ استراتژیک در جنگها نقش شمشیر دولبه را بازی می‌کند؛ این فرهنگ، در عین حال که تحت تأثیر شرایط خاصی می‌تواند پیروزی در جنگ را تسهیل کند در شرایط متفاوتی ممکن است به صورت تسهیل کننده شکست، عمل کند.

اهداف مقاله

هدف اصلی این مقاله در پی رابطه‌ی فرهنگ استراتژیک، سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از این روسؤال اصلی مقاله این است که فرهنگ استراتژیک ایران چه تأثیری بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی این کشور داشته است؟ براساس پرسش اصلی پژوهش حاضر، این فرضیه مطرح می‌شود که «تجارب تاریخی ایران نشان می‌دهد که فرهنگ استراتژیک نقش عمده‌ای را در شکل دهی به سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است».

روش گردآوری اطلاعات

جهت آزمون فرضیه، روش تحقیق پژوهش حاضر بر مبنای روش تلفیقی از روشهای گوناگون در حوزه‌ی مطالعات فرهنگ استراتژیک صورت گرفته است و در نهایت با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است. همچنین روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

فرهنگ استراتژیک از جمله عوامل داخلی شکل دهنده به مبانی هویتی هر بازیگرد عرصه روابط بین الملل مطرح می‌شود که با تأثیر گذاری برنگرش دولتمردان و همچنین جامعه کشور قابلیت اثرگذاری بر نحوه عملکردیک کشور در عرصه محیط بین‌الملل را دارا می‌باشد بدین ترتیب شناسایی فرهنگ استراتژیک ایران و رابطه آن با سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی ایران و مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد وزوایای گوناگون آن، برای مراکز تحقیقات راهبردی، استراتژیکی، نظامی و امنیتی ایران یک وظیفه و ضرورت اجتناب ناپذیر است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به ویژه توسط دانشگاه‌های نظامی درباره فرهنگ استراتژیک انجام شده، ولی تأثیر رابطه فرهنگ استراتژیک بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی ایران کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. برخی پژوهش‌های مرتبط در ذیل بیان می‌شود.

ترابی و رضایی (۱۳۹۰). مقاله‌ی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ معتقدند علاوه بر

تلاشهای گسترده و مهمی که باید به منظور رفع نقایص و کاستی های موجود و جهت مقابله با تهدیدات کنونی یا در حال ظهور علیه کشور در حوزه فرهنگ انجام شود، می‌بایست چهار اقدام مقدماتی به مثابه گام‌های نخست برای تهیه یک برنامه استراتژیک در حوزه فرهنگ پیش بینی شود. نبایست فراموش کنیم که متأسفانه هنوز استراتژی‌های قابل قبولی برای مواجهه صحیح و به موقع باچالش های فرهنگی در کشور وجود ندارد و طرح ها و برنامه های فرهنگی دستگاه‌های مختلف کشور، اغلب غیرمنسجم، ناهماهنگ و حتی بعضاً متناقض و ضد امنیت ملی می‌نماید، در هر حال، این چهار اقدام اصلی عبارتند از: ارزیابی امکانات، قابلیت‌های فکری-فرهنگی بالفعل و بالقوه، شناسایی منابع، ارزیابی قدرت سیاسی. همواره از همین زاویه قابلیت‌های فکری-فرهنگی مورد تهدید واقع شده است. این تهدید به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی روند فزاینده‌ای به خود گرفته است که با این وجود باید تعریف تازه‌ای از طرح امنیت ملی را ارائه کرد که شامل موقعیت خاص کشورمان نیز باشد؛ طرحی که منابع و امکانات مادی و معنوی کشور را به منظور حفظ و حراست و ترویج منافع ملی، ارزش‌های انقلاب اسلامی را با استفاده از به کارگیری بهترین سیاست در امر تسلیحاتی و دفاعی حمایت می‌کند.

افتخاری (۱۳۷۹) در کتاب فرهنگ و امنیت ملی: معتقد است اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین الملل به منظور تحکیم ملی و پیشبرد منافع ملی با تأکید بر تقویت بنیه دفاعی - امنیتی در ارتباط با فرهنگ استراتژیک قابل فراهم شدن است اما نتایج پژوهش حاضر واضح‌تر و البته با موضوعی متفاوت در پی بررسی نظری فرهنگ استراتژیک و رابطه آن با سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی ایران با بررسی‌های پیشین متفاوت است.

بحث نظری

۱. فرهنگ استراتژیک

به طور کلی هیچگونه اجماعی در مورد تعریف دقیق و ویژگی های فرهنگ استراتژیک حاصل نشده است. آلموند و ربا مفهوم فرهنگ سیاسی را به صورت مجموعه‌ای از عقاید و ارزش های یک جامعه که به سیستم سیاسی مربوط می شود تعریف کردند. فرهنگ استراتژیک برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ در چارچوب نوشتاری از سوی جک اسنایدر بر محور معرفی استراتژی هسته‌ای نوآرانه‌ی شوروی مطرح گردید. اسنایدر بحث فرهنگ سیاسی و فرهنگ استراتژیک را به حوزه مطالعات امنیتی مدرن آورد. او با استفاده از مفهوم فرهنگ استراتژیک به تغییر استراتژی نظامی

شوروی پرداخت. (عسکری، ۱۳۸۴: ۹) موضوع اصلی فرهنگ استراتژیک ترفیع عوامل فرهنگی مؤثر در انتخاب استراتژی هاوبررسی چگونگی استفاده از زور است. عقاید، احساسات، ترس‌ها، اهداف و آرزوها جنبه غیر قابل مشاهده‌ی هر فرهنگ استراتژیک‌اند که هسته مرکزی ارزش‌های اصلی فرهنگ استراتژیک را شکل می‌دهند. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵) تغییر در فرهنگ استراتژیک به صورت تدریجی و طولانی رخ می‌دهد. حوادث تکان دهنده‌ای همچون انقلاب‌ها، جنگ‌ها، بحران‌های اقتصادی، سیاسی می‌توانند تصور یک ملت از خودوبه تبع آن فرهنگ استراتژیک یک کشور را تغییر دهد. تعریف اسنایدر از فرهنگ استراتژیک عبارت بود از تمامی مفاهیم، انگاره هاوجواب‌های احساسی مشروط و مدل‌های رفتاری مستمر که اعضای جامعه استراتژیک ملی از راه تعلیم، آموزش یا تقلید احصا کرده اند (Snyder, 1977, 8). در مورد مفهوم فرهنگ استراتژیک تعریف جامع و کاملی وجود ندارد؛ اما به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی و محرک‌های مهم اثرگذار در تعیین سرنوشت سیاست‌ها و برنامه‌های دفاعی دولت‌ها می‌تواند مطرح باشد. کالین گری فرهنگ استراتژیک را ناظر بر مجموعه‌ای وسیع از ایده‌هایی می‌داند که در بطن مناسبات اجتماعی باز تولید شده‌اند؛ به نحوی که با سیاست‌های دفاعی و موضع‌گیری‌های نظامی هم خوان‌اند (Jeffery, 2005: 65)، به اعتقاد وی، اجزای هر فرهنگ استراتژیک از سه محور تشکیل می‌شوند:

۲. تجربه تاریخی کشور مورد بررسی؛

-فرهنگی که در بطن مناسبات اجتماعی بازتولید شده (منظور از این فرهنگ ایده‌هایی است که در اذهان شهروندان وجود؛ ایده‌هایی که براساس آن‌ها افراد خود را شهروند تلقی می‌کنند).
-ابزارهای نهادی این ایده‌ها (مدارس، اماکن مذهبی، الگوهای سازمان‌های نظامی و دیوان سالار و مواردی از این دست) (فرشچی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

بنابراین فرهنگ استراتژیک محیطی را فراهم می‌کند که در آن درباره استراتژی بحث و مناظره می‌شود و به صورت متغیر مستقل در الگوی سیاست گذاری استراتژیک عمل می‌کند (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۳۴). از منظر دیگر فرهنگ استراتژیک ناشی از تعامل بین هویت‌ها، ارزش‌ها و چشم اندازی است که مردم هر کشور از طریق آموزش و سایر راهکارهای جامعه پذیری آن را کسب می‌کنند. از این جهت مفهوم فرهنگ استراتژیک و نظریه‌ی سازه‌انگاری درهم تنیدگی بسیاری دارند. این نظریه از این لحاظ حائز اهمیت است که به انگاره‌های ذهنی و هنجاری در کنار انگاره‌های مادی توجه ویژه‌ای را معطوف می‌سازد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۸) این ارزش‌ها، فرم‌ها و هویت‌های

ویژه نقش مهمی در چگونگی نگاه به مفهوم امنیت، دشمن، متحدان و چگونگی آمادگی نظامی و امنیتی دارند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۸) همچنین در چهارچوب فرهنگ استراتژیک است که مفاهیمی همچون امنیت، رقیب، متحد یا دشمن در همین چهارچوب معنا پیدامی کنند. فرهنگ استراتژیک هرکشوری تحت تأثیر متغیرها و شاخصه های داخلی و گاهی خارجی قرار دارد. به تعبیری، هرکشوری دارای فرهنگ راهبردی خاصی است که شناسایی عوامل تشکیل دهنده آن به مطالعه شرایط داخلی و بین المللی نیاز دارد. در همین زمینه، کن بوث معتقد است که فرهنگ راهبردی برآمده از تاریخ جغرافیا و فرهنگ سیاسی و نشان دهنده ترکیب ایستارها و الگوهای رفتاری مهمترین نظرهای تأثیرگذار است. این نظرها می تواند مربوط به کل جامعه، نخبگان سیاسی، نهادهای نظامی یا افکار عمومی می باشد (عسگری، ۱۳۹۳: ۹۵). براین اساس فرهنگ استراتژیک کشورها تحت تأثیر ده شاخص اصلی دین و مذهب، مفاهیم دفاعی، موقعیت جغرافیایی، منابع و آب و هوا، منابع اقتصادی، روایت ها و سرگذشت های قدیمی، سنت های سیاسی، باورها و ارزش ها، تاریخ ونجریات و پایه ای تکنولوژی قرار دارد. حال که فرهنگ استراتژیک ایران اسلامی را بررسی می کنیم، می بینیم که مؤلفه های اسلام شیعی، تجربیات تاریخی و نفت، به عنوان مهمترین شاخص اقتصادی و موقعیت جغرافیایی بیشترین نقش را داشته اند. به علاوه تجربه جنگ تحمیلی و تقابل با نظام بین المللی پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نیز در بین زمینه های تأثیرگذار بوده و هست (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

تعریف مفاهیم

۱. فرهنگ: فرهنگ از مفاهیمی است که امروزه بیشترین تعاریف درمورد آن وجود دارد. وریا فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات، ارزش ها و نواحی می داند که از طریق فرایند جامعه پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند (Verba, 1965, 513).
۲. فرهنگ استراتژیک: مجموعه آرمان ها، پاسخ های عاطفی مشروط و الگوهای رفتاری که اعضای جامعه استراتژیک ملی از طریق آموزش و تقلید به دست آورده و با یکدیگر مبادله می کنند. همچنین می توان فرهنگ استراتژیک را محیط فرهنگی و اندیشه ای دانست که بر انتخاب های رفتاری تأثیر می گذارد (جلالی، ۱۳۷۸: ۲۴).
۳. سیاست تسلیحاتی: سیاست تسلیحاتی عبارت است از کاربرد کلاسیک تسلیحاتی از

بهترین نیروهای رزمی است که براساس این سیاست کشورها تلاش می‌کنند تعداد بیشتری سلاح، اندازه بزرگتری ارتش با سطح بالاتری از تکنولوژی نظامی را کسب کنند. سیاست تسلیحاتی، سیاست تأمین و تدارک و سیاست صنایع دفاعی نیز خوانده می‌شود. کیفیت تکنولوژی تسلیحاتی یکی از عامل‌های اساسی در ارتقای توانایی کشورها محسوب می‌شود. هرچند عامل نیروهای انسانی با کیفیت نسبت به سایر عامل‌ها همچنان نقش برتری دارد. در عین حال امروزه در سیاست تسلیحاتی، تکنولوژی به وقوع پیوسته که همچنان در حال پیشرفت است و تأثیرات عمیقی بر ماهیت و چگونگی هدایت جنگ‌ها، از خود برجای گذاشته است. بنابراین انتظار می‌رود نقش تسلیحات در هدایت و نتایج جنگ بیش از پیش، افزایش یابد. به این سبب دستیابی به سلاح‌های مدرن ساخت داخل یا ساخت خارج، اهمیت به سزایی در بالابردن توان دفاعی کشورها خواهد داشت. توجه سیاستمداران کشور به نقش و جایگاه ابزار نظامی در تحقق اهداف و منافع ملی‌شان حکایت می‌کند. اکثر طراحان دفاعی در ایران متفق القولند که اگر ایران بخواهد به طور مؤثر از مرزهایش حفاظت کند و توسعه قدرت منطقه‌ای خود را بخواهد، باید همچنان بودجه دفاعیش را افزایش دهد (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۴۳).

۴. امنیت: امنیت به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت معنویت کشورها و نمایندگان آنان، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تلقی می‌شد (متقی، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۲)

۵. امنیت ملی: امنیت ملی این‌گونه تعریف می‌شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و این که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می‌کنند. (Ayoob, 1995: 213)

یافته‌ها

در این پژوهش ابتدابه طور خلاصه به بحث در مورد فرهنگ استراتژیک پرداخته می‌شود. سپس رابطه آن با سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. منشأ مفهوم فرهنگ استراتژیک

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول افرادی چون گری^۱، اسنایدر^۲ و دافیلد^۳ ریشه تاریخی این نوع فرهنگ را در تاریخ اولیه و عمیق کشورها می‌دانند که به عنوان ریشه‌های ثابت و تغییرناپذیر فرهنگ استراتژیک عمل می‌نماید (Duffield, 1998: 23).

دیدگاه دوم محققان متأخرتری چون آلستر جانستون^۴ مدعی آن‌دکه فرهنگ استراتژیک علاوه بر اینکه دارای منشأیی باستانی است، اما می‌تواند ریشه در تاریخ معاصر و گاه حوادث بسیار نزدیک به لحاظ تاریخی داشته باشد، آنچه که نقش یک تجربه موفق یا ناموفق را در تصمیمات استراتژیک ایفا کرده است. لگرو^۵ معتقد است که اگر ریشه فرهنگ استراتژیک را در حوادث معاصر جستجو نماییم! می‌توان جایی را برای عقلانیت نسبی و محدود و همچنین ابتکارات تصمیم‌گیران باز نمود و به بیانی ساده‌تر، امکان تحول در فرهنگ استراتژیک به وجود می‌آید که خود باعث می‌شود تا نظریه پردازی که در این حوزه سنتی‌تر بود از جزمیت آن کاسته شود (legro, op.cit: 291).

۲. تاریخچه تکامل مقوله‌ی فرهنگ استراتژیک

با توجه به جایگاه سون تزو در حوزه تفکر استراتژیک که برخی همپایه افلاطون در علوم سیاسی دانسته‌اند، وی را به عنوان اولین مرجع کلاسیک نظریه پردازی در مورد مقوله فرهنگ استراتژیک در نظرمی‌گیرند. در ابتدا باید گفت که هر چند در کتاب معروف «هنر جنگ» اشاره سریع و مستقیمی به این معنا یافت نمی‌شود! اما بر مبنای نوآوری وی در زمینه ضرورت توجه به مؤلفه‌های غیرمادی، روانی و انگیزشی در زمینه مدیریت صحنه نبرد، می‌توان ردپای مشخصی از مضامین فرهنگی (معطوف به جنگ و پیروزی در آن) را به او نسبت داد. در این ارتباط دو مفهوم قانون اخلاقی و ژنرال خوب قابل توجه است که اولی به توافق عمومی رعایا با رأی سلطان و معرفی پادشاه به عنوان مرجع شناسایی دوست و دشمن اشاره داشته و دومی نیز مشخصه‌های یک فرمانده نظامی مطلوب را از جمله اینکه فکرسربازان رابه عقاید پر مایه و بلند پیوند می‌دهد و یا اینکه هرگز نیروهای نظامی تحت امرش را به دلایلی چون منافع شخصی رها نمی‌کند، شامل می‌شود. در این خصوص به موارد دیگری چون نقش ایدئولوژی در تحکیم وحدت میان اعضا، تعیین پادشاه به عنوان عامل فرهنگ استراتژیک اشاره شده است (عبدالله خانی، ۷۱: ۱۳۸۳). در

¹ Gary

² Snyder

³ Duffield

⁴ Johnson

⁵ legro

ادامه می‌توان به اندیشه‌های ماکیاولی توجه کرد. وی روحیه‌ی سیاسی را به عنوان ابزار تعیین کننده در راستای توفیق نبرد می‌داند. کلاوزویتس نیز متأثر از «سون‌تزو» در چارچوب بازشناسی جنگ توانست ابعاد نرم افزاری خاصی را در مطالعات استراتژیک تعبیه نماید. وی با بیان اینکه هدف نهایی جنگ باید شکست روحیه‌ی مقاومت دشمن باشد، اهداف استراتژیک را از سطح مؤلفه‌های وابسته به صحنه نبرد به عرصه فراجنگ سوق داد برای پایه شناسایی روحیات دشمن از ضرورت‌هایی تلقی شد که باید در دستور کار دولت‌ها برای پیروزی در جنگ قرارگیرد. رویکرد محوری کلاوزویتس که معمولاً به آن ارجاع می‌شود، این است که جنگ تنها یک عمل سیاسی نیست بلکه به واقع ابزار سیاسی است و به معنای ادامه خط مشی سیاسی و اجرای همان مقصود منها با وسایلی دیگر است در واقع از نظر وی جنگ همان ادامه‌ی سیاست است که به روش دیگر و احتمالاً خشونت آمیز پیگیری می‌شود. بنابراین وی به وسیله فرهنگ استراتژیک بین وسیله و هدف جنگ یک رابطه عقلانی برقرار می‌کند (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹: ۲۴۳).

۳. الگوی راهبردی فرهنگ استراتژیک

در تحلیل فرهنگ استراتژیک گفته می‌شود که دولت‌های متفاوت دارای اولویت‌های استراتژیک متفاوتند و چنین اولویت‌هایی ریشه در الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی و سیاست تسلیحاتی آنها از زمان شکل‌گیری تاکنون دارد و از ویژگی‌های فلسفی، سیاسی، فرهنگی و شناختی دولت و نخبگانش تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ استراتژیک روشی برای شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر مسائل امنیت ملی است. براین اساس فرهنگ استراتژیک را هم باید زمینه شکل‌گیری رفتار و هم یکی از مؤلفه‌های امنیتی به حساب آورد. براساس این دیدگاه استراتژی سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی می‌تواند جوانب زیادی داشته باشد که یکی از آنها جنبه فرهنگی است. فرهنگ‌ها ایجادکننده‌ی اندیشه مستمر اجتماعی و نه ابدی، دیدگاه‌ها، سنت‌ها، عادات فکری و روش‌های اقدامند که کم و بیش جامعه امنیتی خاص با پیشینه تاریخی مخصوص به خود اعطا می‌کنند. با عنایت به جایگاه فرهنگ در وجه و سیاست امنیت ملی، حرکت به سمت استفاده از الگوهای ذهنی جامعه شناختی با تأکید بر مکتب فرهنگی ما را به سمت تحقق رهیافت فرهنگ استراتژیک خواهد برد. در مکتب فرهنگی، فرهنگ غالب مهم‌ترین مؤلفه برای ساخت استراتژی است، لذا در این مکتب، نگرش به نهادهایی که در شکل‌گیری فرهنگ مؤثرند و آنها را شکل می‌دهند بسیار مهم است (جلالی، ۱۳۷۸: ۵۷).

۴. اهمیت فرهنگ استراتژیک

فرهنگ استراتژیک بخشی از فرهنگ سیاسی یک جامعه است و فرهنگ سیاسی می‌تواند نقطه عزیمت مناسبی برای ورود به موضوع فرهنگ استراتژیک باشد. فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از ایستارها و اعتقادات و احساساتی است که به نظام سیاسی نظم و معنا می‌بخشد. به این ترتیب اصول و قواعدی را برای رفتار سیاسی حاکم می‌کند. جهت‌گیری‌های فرد نسبت به سیاست می‌تواند تا اندازه زیادی از شخصیت و فرهنگی که بر او سلطه دارد نشأت گیرد (قوام، ۱۳۷۴: ۸۳). درحالی که فرهنگ سیاسی رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چون فرهنگ استراتژیک در عرصه‌ی امنیتی اثرگذار است این بحث از فرهنگ سیاسی به تعریف فرهنگ استراتژیک کمک می‌کند. فرهنگ استراتژیک نیز مانند فرهنگ سیاسی چارچوبی را در مورد گزینه‌های تصمیم برای تصمیم‌سازان یک کشور مشخص می‌کند که در اکثر موارد این گزینه‌ها کمتر از آن چیزی است که به لحاظ منطقی در گزینه‌های تصمیم در دسترس می‌باشد. بنابراین با تجربه و تحلیل فرهنگ استراتژیک می‌توان درک کرد که چرا دولت‌ها در وضعیت‌های مشابه به گونه‌ای متفاوت از لحاظ سیاست تسلیحاتی برای حفاظت از امنیت خود عمل می‌نمایند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۴۹).

۵. مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های متعددی بر شکل دهی فرهنگ استراتژیک ایران مؤثرند. از دیدگاه برخی از محققان روابط بین الملل فرهنگ بازتاب عمیقی بر تصمیم‌گیری استراتژیک دارد و در سال‌های اخیر تحقیق و مکاشفه درباره نقش آن در امنیت ملی و بین‌المللی دوباره جان گرفته است. می‌توان گفت تجارب تاریخی، آموزه‌های دینی اسلامی و جغرافیا بیش از هر مؤلفه دیگری در شکل دهی به فرهنگ استراتژیک ایران اسلامی نقش داشته‌اند (ایزدی، ۱۳۸۰: ۶۷) و فرهنگ استراتژیک ممیزاتی یافته که مهمترین و اصلی‌ترین آن سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی درون‌زا است. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است که در این نوشتار سعی می‌شود به مهمترین و اصلی‌ترین آنها اشاره شود:

۱- تجارب تاریخی: یکی از مؤلفه‌های شکل دهنده به فرهنگ استراتژیک ایران تجربه‌های

تاریخی آن است. تجربه تاریخی هشت سال دفاع مقدس با شکست دو ابهت شرق و غرب، نه فقط در صحنه‌های نبرد و جنگ، بلکه در تمامی صحنه‌ها به دست آمد. جنگ تحمیلی با توجه به نوپایی آن نتایج با ارزش و مؤثری به همراه داشت. شرایط جنگی و فوق‌العاده کشور، فشارها و نیازها؛

یکی از بهترین فرصت‌ها برای رشد تسلیحات نظامی و صنایع دفاعی کشور فراهم آورد. معاملات تسلیحاتی، معادلات خاصی داشت به طوری که کشورفروشنده با فروش تسلیحات به کشور خریدار نوعی وابستگی نظامی را به خریدار تحمیل می‌کرد. این وضعیت در ایران پیش از انقلاب نیز حاکم بود اما به حول وقوه الهی و با رشادت و خلاقیت جوانان غیور تحولات شگرفی رخ داد. بی شک می‌توان گفت اگر جنگ نبود و کشور در محاصره اقتصادی و سیاسی قرار نمی‌گرفت این پیشرفت‌های عظیم تسلیحاتی و نظامی در کشور حاصل نمی‌شد. امروزه فرهنگ استراتژیک ایران و سازوکارهای سیاست گذاری تسلیحاتی منجر به تسلیحات منحصر به فردی شده است که به موجب آن مسائل استراتژیک تا حد زیادی از طریق تدابیر فکری رهبران توسعه می‌یابد. از این رو می‌توان با قاطعیت عنوان کرد که سیاست تسلیحاتی ایران پس از انقلاب براساس نیل به خودکفایی تنظیم شده است (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹: ۷۳).

۲- **آموزه‌های دینی اسلامی:** یکی از مؤلفه‌های شکل دهنده به فرهنگ استراتژیک ایران آموزه‌های دینی اسلامی است. از نظر فرهنگی و اعتقادی، ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار گرفته است. به طوری که در روند تحولات آینده جهان، می‌تواند با بعضی از کشورهای منطقه نقش ارزنده‌ای را ایفا کند. گسترده‌ی تمدنی ایرانی- اسلامی و فرهنگ پارسی و میراث گرانبهای آن و گذشته تاریخی درخشان این سرزمین، پیوند عمیق فرهنگی، فکری و جغرافیایی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی یعنی عراق و ترکیه تا شاخ آفریقا، منطقه‌ای استراتژیک را به وجود آورده است که نشان دهنده امکانات بالقوه و بالفعل برای گسترش همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. بدیهی است هرگونه تأثیرگذاری در منطقه منوط به افزایش حوزه نفوذ و عمق بخشی استراتژیک در جهان اسلام است. که از طرق مختلف می‌تواند نمایان شود. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این آموزه‌های دینی اسلامی نقش بسیار مهمی در دفاع از تمامیت ارضی کشور و مقابله با دشمن داشتند؛ از این رو این آموزه‌ها عبارتند از:

- **روحیه شهادت طلبی، جهاد فی سبیل الله و اعتقاد به عاشورا:** فرهنگ سیاسی شیعه، نقش مثبت و مؤثری در ایجاد روحیه شهادت طلبی به عنوان یکی از شاخص‌های فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران داشته است. حادثه عاشورا و قیام امام حسین (ع) علاوه بر نماد تأثیر گذاردن گستره دینی و مذهب شیعی، سبب شد هویت جدیدی در میان مردم شکل بگیرد؛ هویت جدیدی که مبنای آن ایمان به خدا و ارزش‌های اسلامی بود و در این راستا مادیات کمتر ظهور و

بروز یافت (درویشی شانی، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

- **تعمیق بصیرت و دشمن شناسی:** بصیرت و هوشیاری به عنوان یکی از مؤلفه هاوشاخص های اساسی در فرهنگ استراتژیک ایران مطرح می شود. جایگاه بصیرت درسیاست دفاعی در مقوله ی دشمن شناسی نیز نمود یافته است و به عنوان یکی از ضرورت های مهم مطرح می شود. بنابراین ضروری است که مردم و نخبگان با بصیرت و هوشیاری کامل در چارچوب فرهنگ استراتژیک تحولات را رصد نمایند تا در دام فریب کاری دشمن نیفتد (لطفی مرزناکی، ۱۳۹۳: ۶۲۰).

- **هویت اسلامی-ایرانی و یکپارچگی ملی:** یکی از عناصر تأثیرگذار بر مفهوم دفاع، عنصر هویت و یکپارچگی ملی است؛ زیرا هر ملت زمانی می تواند از خود و ارزش ها و استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع کند که دارای هویت ملی متمایز و مشخص باشد که معرف مردمش در نظام بین الملل است. این عنصر موجبات همبستگی و یکپارچگی ملی در کشور خواهدشد (بلباسی واسفندیاری، ۱۳۹۲: ۹۵).

- **اعتماد به نفس و ایمان به نصرت الهی:** اعتماد به نفس دیدگاهی است که به افراد و جامعه اجازه می دهد از خود تصویری مثبت و واقعی بسازند. ایمان نیز از ضروری ترین نیازهای زندگی بشری است که بدون آن ادامه حیات ممکن نخواهدبود؛ چرا که انسان را به توکل و اعتماد به خدا هدایت می کند. این موضوع که منبعث از فرهنگ دینی ماست، در فرهنگ استراتژیک ایران نیز اهمیت دارد (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۰: ۶۱).

- **نفی ظلم و دفاع از مظلوم:** استکبارستیزی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم از آرمان های اصلی انقلاب اسلامی و آموزه های دینی مبین اسلام است که در مقوله ی جنگ و صلح نیز تأثیرگذار بوده است. براساس آموزه های الهی انسان ها باید عدالت خواه و ظلم ستیز باشند و در شرایطی که به آنها ستم روا می شود، دست روی دست نگذارند، بلکه به مقابله با ستم و ستمگران برخیزند. امام خمینی معتقد بودند که در جدال میان حق و باطل ایران به عنوان یک کشور اسلامی باید رهبری مستضعفان جهان را در نبرد با مستکبران بر عهده بگیرد. اکنون این سؤال مطرح می شود که ایران چگونه می تواند اسباب پیروزی مستضعفان بر مستکبران را فراهم آورد؟ امام بر این نظر بودند که ایران باید استراتژی دو سویه ای را اتخاذ کند. از یک سو، لازم بود ایران با صادرکردن انقلاب اسلامی آگاهی سیاسی مستضعفان را نسبت به حقوق به یغما برده شان احیا کند. از سوی دیگر، ایران باید از حرکت های اسلامی و جنبش های آزادی بخش که در حال مبارزه علیه حکومت های

فاسدند حمایت کند. امام معتقد بودند که اتخاذ این استراتژی به سقوط دولت‌های دست‌نشانده استکبار در سرزمین‌های اسلامی منجر شده و در نهایت زمینه ساز سقوط نظام استکبار جهانی می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۷)

-دیپلماسی دفاعی: دیپلماسی دفاعی بخشی از قدرت ملی است که در کنارسیاست خارجی، به عنوان منبع اعمال قدرت برای بالابردن ظرفیت یک کشور در روابط خارجی است. دیپلماسی دفاعی ایران از دو واژه «ایرانیت» و «اسلامیت» تشکیل شده است (کلانتری، ۱۳۹۳: ۲۷۱). لذا هدف از دیپلماسی دفاعی، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالیه یک نظام سیاسی در قالب استراتژی کلان ملی است. (رشاد، ۱۳۸۸: ۸۱-۷۸) بنابراین دیپلماسی دفاعی دربرگیرنده هر دو بعد قدرت نرم/افزایی و سخت‌افزاری و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی است به گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد «قدرت سخت» تأمین گردد.

دیپلماسی دفاعی یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی است (متمقی، ۱۳۹۰: ۲۳۴) این مفهوم به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع به منظور بالا بردن سطح تعاملات همکاری‌جویانه کشورها و جایگزین کردن تنش به ثبات است. این یک تئوری ثبات‌محور است که علاوه بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی به شمار رود.

-دفاع مردمی و حضور یکپارچه مردم در شرایط دفاعی: یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که در کمتر انقلابی نظیر آن وجود دارد حضوراقتشار مختلف و نقش آنها در پیروزی انقلاب است. براین اساس نوعی تعلق خاطر و رابطه معنوی نسبت به حفظ و حراست از نظام اسلامی در میان آحادمردم وجود دارد (قنبری، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

-دفاع همه جانبه: کامل‌ترین تعریف درباره دفاع همه جانبه «آماده سازی و به کارگیری کلیه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی، به منظور پیشگیری و مقابله با هرنوع تهدید و تهاجم دشمنان داخلی و خارجی» (خودسیانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۷). به همین دلیل پس از تشکیل جمهوری اسلامی، حضرت امام از هیچ تلاشی برای تشکیل یک نیروی نظامی مکتبی که واجد انگیزه، ازخودگذشتگی و شجاعت کافی برای دفاع از موجودیت، آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد فروگذار نکردند. در این زمینه دو گام اساسی برداشته شد؛ ازیک سو ایشان تلاش کردند تا هسته اولیه یک نهاد نظامی اسلامی را وجوداً ورنه که شبیه سپاه حضرت محمد (ص) باشد. ازاین رو در

اردیبهشت، ۱۳۵۸ دستور تأسیس سپاه کردند پاسداران انقلاب اسلامی را صادر کردند.

از سوی دیگر، امام تلاش کردند تا ارتش به ارث رسیده از رژیم پیشین را به یک نیروی نظامی با تربیت اسلامی تبدیل کنند تا بتواند دوش به دوش سپاه از نظام نوپای اسلامی دفاع کند. اما امام خمینی (ره) به این‌ها اکتفا نکردند. ایشان معتقد بودند که تنها راه تضمین بقای دولت اسلامی بسیج کردن تمام آحاد ملت برای دفاع از کشور است. ایشان می‌خواستند جامعه‌ای بسازند بودند، مد که در آن تمام مردان و زنانی که از توانایی جسمانی برخوردار بودند سازماندهی شده، آموزش دیده، مسلح شده آماده دفاع از وطن اسلامی باشند. ایشان می‌گفتند که یک کشور اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد» (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷ ک ۷۱) از این رو در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۹ دستور تشکیل سازمان بسیج مستضعفین را صادر کرد.

گام دیگری که برای تقویت ظرفیت دفاعی ایران برداشته شد گسترش صنایع نظامی کشور بود تا ایران بتواند در طراحی، تولید، نگهداری، و به کارگیری تسلیحات و مهمات مربوط از خارج از کشور بی‌نیاز شود. رهبران کشور بر این نظر بودند که بدون خودکفایی در صنایع نظامی، ایران تحت سلطهٔ اجانب درخواهد آمد آنها معتقد بودند که وابستگی به خارج، ایران را در مقابل فشار خارجی آسیب پذیر ساخته، و صدمه سختی به توانایی نیروهای مسلح برای دفاع از انقلاب اسلامی وارد می‌سازد و به این ترتیب از قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح می‌کاهد (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

۵. جغرافیا

ویژگی‌های جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیک هر کشوری، جز ارکان ثابت و تأثیرگذار بر ملاحظات امنیتی آن تلقی می‌شود. در بطن علایق انقلابی جمهوری اسلامی ایران، نوعی توجه به ژئوپلیتیک فرهنگی وجود داشت که بیانگر استراتژی خاص اسلامی بود؛ ولی در عمل این توجه با واقعیت‌ها و شرایط موجود درونی و بیرونی همخوانی نداشت. توجه به ژئوپلیتیک فرهنگی جهان اسلام و بدینی‌ها و تفسیرتهاجمی از این رویکرد، از یک سو شرایط را برای انزوای بیرونی فراهم آورد و از سوی دیگر فرصت‌های فراوانی را از کشور گرفت و در اختیار رقبای فرصت طلب قرار داد. نادیده گرفتن دولتهای پیرامون که به منزله تخطی از اصول جدایی ناپذیر در بهره‌گیری از شرایط مثبت ژئوپلیتیک به شمار می‌رود-تنها میدان اصلی فعالیت‌های ایران را به دیگران تقدیم کرد. در واقع پس از گذشت یک دهه از انقلاب اسلامی، این پرسش ایجاد شده بود که آیا با وجود

داشتن بهترین موقعیت جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک در جهان اسلام، که از طریق عوامل عینی مانند وسعت سرزمین، جمعیت و نیروی انسانی کارآمد و منابع متنوع، امنیت به دست آمده است. اهمیت فرهنگ استراتژیک ایران که تا حد زیادی در بعد جغرافیای سیاسی از امنیت ملی متأثر است به دلیل جهان اندیشی اسلامی و تأثیر آن بر بافت ذهنی تصمیم سازان، اهمیت جغرافیای ایران را با ارزش های اسلامی به هم پیوند داده است. همانگونه که در جنگ ایران و عراق، عامل جغرافیایی از اهمیت اساسی برخوردار بود و بخش عمده ای از سرنوشت عملیات های نظامی دو کشور را رقم زد (کرمی، ۱۳۸۰: ۵۶).

۶. جایگاه فرهنگ استراتژیک در سیاست تسلیحاتی-امنیتی ایران

سیاست تسلیحاتی-امنیتی هر کشور، واکنشی به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف های اساسی آن کشور است. براین اساس هر دولتی محیط پیرامون امنیتی خود را در عرصه منطقه ای و جهانی تعریف نموده و تهدیدها را شناسایی می کند، تا برای مقابله با آن، برنامه ریزی کند. بنابراین درک و برداشت درست و منطقی از محیط امنیتی و تهدیدهای منطقه ای بیشترین تأثیر را بر سیاست و راهبرد تسلیحاتی هر دولت می گذارد. برخلاف فرهنگ استراتژیک سلطه طلبانه که بر محور تهدیدهای صریح و پنهان و تحکیم و تثبیت برتری اقتصادی و نظامی دوستان و متحدان استوار است. جمهوری اسلامی ایران بریک فرهنگ استراتژیک تدافعی-تعاملی در برابر تهدیدهای منطقه ای تأکید می کند و می توان گفت جمهوری اسلامی ایران بر موازنه سازی امنیتی توأم با تعامل و مشارکت برتر منطقه ای در فرهنگ استراتژیک خود می نگرد و این چشم انداز بهتری را برای حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدهای منطقه ای پیرامون ایران فراهم می آورد. در امور سیاسی، دفاعی و امنیتی ایران، فرهنگ استراتژی بر ارتقای توانمندی های تسلیحاتی و قدرت بازدارندگی و توسعه متکی است و قدرت عمل در واکنش قاطع به منظور تأمین اطمینان بخش امنیت ملی توسط نیروهای مسلح و وزارت دفاع از ویژگی های آن است (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۳۴). بنابراین می توان گفت براساس فرهنگ استراتژیکی که در ایران وجود دارد گسترش ساختار دفاعی ایران بیش از آنکه ماهیت تهاجمی داشته باشد در قالب راهبردی بازدارنده و دفاعی سازماندهی شده است. کشور ایران بعد از انقلاب اسلامی با مخاطرات و چالش هایی روبه رو بوده است و در جهت اتخاذ سیاست امنیتی مستقل حرکت کرده است و سعی نموده است که ضریب امنیتی خود را بالا برد و به

بازدارندگی روی آورد. بازدارندگی الگوهای امنیتی و دیپلماسی دو تعبیر متقابل هم بوده‌اند که در طول زمان در ایران دارای فراز و نشیبی‌های بوده‌اند. بازدارندگی یکی از مفاهیم اساسی استراتژیک است و بیشتر پروسه‌ای روانی است. نظریه پردازی در این خصوص نیز متعلق به نیمه قرن بیستم است و بازدارندگی در فرهنگ استراتژیک به معنای اتخاذ تدابیر گوناگون و اقدام معمول از سوی یک دولت یا گروهی برای مایوس کردن دولت یا دولت‌های دیگر از پیگیری سیاستهای تهدیدآمیز، انجام اقدام سیاسی برای بازداشتن یک دولت از دست یازیدن به اقدام تجاوزکارانه و یا استراتژی جنگ محدود در صورت وقوع و یا تدابیری که با استفاده از وسایل روانی به جای ابزار فیزیکی و از بروز جنگ یا تهدید ممانعت می‌کند آمده است. بصورت کلی هدف این استراتژی جلوگیری از اجرای تصمیمات نظامی توسط طرف مقابل از صحنه‌ی عمل به لحاظ عواقب ناشی از آن علیه طرف دیگر است (www. Dolat.ir).

۱-۶. استراتژی بازدارندگی:

بازدارندگی از لحاظ فیزیکی طرف مقابل را دفع نمی‌کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز وی می‌گردد. هنری کسینجر در خصوص اهمیت زمینه‌ی روانی بازدارندگی معتقد است که بازدارندگی بیش از هر چیز وابسته به ملاک‌های روانی است. در این سیاست سعی می‌شود تا با تجلی خطرات غیر قابل تحمل، طرف مقابل را از ارتکاب به عمل بازداشت. پیروزی این سیاست بستگی دارد به آگاهی کامل از محاسبات طرف مخالف که جدی گرفته می‌شود. برای مقاصد سیاسی، میزان قدرت مؤثر نظامی یک کشور، ارزیابی کشور دیگر از آن قدرت است. پس ملاک‌های روانی، کم اهمیت‌تر از آموزه‌های نیروی بررسی (استراتژیک) نیستند و از این جهت در نظام بین الملل، بازدارندگی یکی از ابزارهای اساسی تأمین امنیت ملی کشورهاست. (خودسیانی و دیگران، ۹: ۱۳۹۴). سیاست امنیتی، ناظر بر خط مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. از این رو چشم اندازحوزه های سیاست داخلی و خارجی در عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی با مقوله سیاست امنیتی، پیوندی استوار می‌یابند. براین پایه پدیده امنیت و سیاست گذاری امنیتی در چشم اندازهای گوناگون، همواره یکی از اهداف اساسی کشوردر طول حیات سیاسی آن بوده است. کشور ایران به پیروی منابع قدرت، ساختارحکومت، موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های ژئوپلیتیک و نوع ایدئولوژی تلاش داشته تا سیاست امنیتی خویش را تنظیم و در جهت کسب سیاست

تسلیماتی-امنیتی همه جانبه به کارگیرد. تلاش برای ایجاد توان «بازدارندگی راهبردی»، بیش از آن که معطوف به محیط فراملی باشد در نتیجه تقویت، بازسازی، ترمیم و گسترش ساختارهای داخلی صورت می‌گیرد. بازدارندگی در حقیقت با ساختارهای داخلی می‌گوید چه تهدیدی، با چه شدتی و در چه بعد زمانی وجود دارد و مهار آن نیازمند چه ساختارهایی در داخل و چه نوع رفتاری است. بنابراین، بازدارندگی زمانی معنا می‌یابد که ساختارهای داخلی با سطحی از تهدیدات بین‌المللی که معطوف به نظام است تعادل همراه با برتری ایجاد نماید. در این حالت بازدارندگی به چهار خصوصیت کلی نیازمند است:

- قابلیت تداوم در بلندمدت و توانایی دفع تهدیدات پیش از تبدیل آنان به خطر آنی و آشکار و توانایی مقابله با آنان در صورت تبدیل به خطر آنی و آشکار.
- ایجاد شرایطی برای مصونیت و حداقل هزینه برای نظام.
- صراحت و آشکار بودن آن بخشی از اقدام که می‌تواند در کاهش تهدید مؤثر باشد.
- نمایش قدرت.

۲-۶. اصول فرهنگ استراتژیک ایران

اصول فرهنگ استراتژیک ایران را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت دفاعی و ارتقای جایگاه نظامی ایران در جهان.
۲. ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر برای تهدیدات و حفاظت از منابع ملی و انقلاب اسلامی، منابع و منافع حیاتی کشور.
۳. توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با افزایش توان کمی و کیفی بسیج.
۴. اتخاذ تدابیر لازم در خصوص ضربه زدن به اهداف، تأسیسات و امکانات نظامی و اقتصادی کشور متخاصم در صورت تعدی به کشور و شناخت نقاط آسیب پذیر کشور متخاصم (کره، ۵۲: ۱۳۸۰).

بنابراین می‌توان گفت تدوین فرهنگ استراتژیک ایران متناسب با نوع بحران‌ها شکل می‌گیرد و واکنش به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف‌های اساسی کشور است و زمانی که کشور

با تهدیدهای ساختاری و کارکردی روبه رو می‌شود، انگاره‌های امنیتی در ادراک رهبران و مقام‌های عالی‌های کشور تقویت می‌شود؛ زیرمقامات برای مقابله با تهدیدها نیازمند سیاست تسلیحاتی و ابزار نظامی خاصی برای حفاظت از امنیت کشور هستند.

۳-۶. فرهنگ استراتژیک و سیاست امنیت ملی ایران

فرهنگ استراتژیک یک بخش بنیادین شناخت دشمن و خودی است. این موضوع به عنوان یکی از اصلی‌ترین اصول جنگ به تخمین رفتار بازیگران کمک می‌کند و این نقطه آغاز فهم رفتار حریف است. هنگام بروز جنگ بین دو کشور یک مسئله اساسی و ضروری این است که طرفین متخاصم درک درستی از منش ملی یکدیگر داشته باشند و خصیصه‌ها و منش‌های قومی همدیگر را بشناسند. شناخت دقیق شخصیت جمعی هر ملت، اطلاعات گران بهایی را برای پاسخگویی به حیل‌های جنگی، تبلیغات، فشارهای روانی و حتی شکست آنها فراهم می‌سازد (واعظی، ۱۳۸۷: ۶۵). اساساً دولت‌های وارث انقلاب‌ها را باید دولت‌های ایدئولوژیک و آرمانگرا به شمار آورد. بی تردید جمهوری اسلامی ایران نیز که مولود انقلاب اسلامی است، خارج از قاعده فوق نخواهد بود. این کشور پیوسته درگیر کشمکش آرمان و واقعیت بوده است. رفتار آرمان خواهانه در یک کشور انقلابی طبیعی است، همچنان که پی‌گیری این رفتارها با بی توجهی نسبت به واقعیت‌های زمانه، هیچگاه امکان پذیر نخواهد بود. پایان جنگ تحمیلی را می‌توان به معنای آغاز دوره نوین در ملاحظات امنیت ملی کشور دانست. جنگ از دامنه آرمان‌های نظام در بیرون از قلمرو ملی کاسته بود و به دنبال آن ملاحظات ملی را در حواشی مرزهای کشور متمرکز ساخت و پایان آن، مرکز ثقل سیاست‌های داخلی ملی را به درون جغرافیای ملی سوق داد. این دوره به منزله آغازی بر تحولات اساسی کشور، از سطح تأثیرگذاری ایستارهای ایدئولوژیک فرهنگ استراتژیک در ملاحظات امنیت ملی کاست و در عوض جایگاه منافع ملی را در برابر منافع امت اسلامی قرار داد تا آنجا که مبنای رفتار و روابط خارجی ایران، نیز پیرامون چنین نگرشی شکل گرفت. چنانکه می‌توان گفت در بعد از جنگ و رحلت امام خمینی (ره) سیاست خارجی ایران بیش از آنکه مبتنی بر ملاحظات ایدئولوژیک فرهنگ استراتژیک باشد، مبتنی بر منافع ملی شده است (Ayoob, 1999: 213). از سوی دیگر ملاحظات بیرونی به نفع ملاحظات درونی دچار تحول شد. در بعد داخلی با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پس از آن، سازمان ملل متحد عراق را آغازگر جنگ اعلام کرد و نگاه تصمیم سازان ایران از بیرون، یکباردیگر متوجه درون و امنیت ملی کشور شد و الگوهای رفتاری

وسایست فرهنگ استراتژیک دستگاه دیپلماسی ایران از رویارویی به مصالحه واز توسعه طلبی به همزیستی، تغییر موضع داد ودر دوران سازندگی، وحدت سیاسی جهان اسلام به معنای هبستگی فرهنگ اسلامی، همکاری میان کشورهای مسلمان، کاهش منازعه و تنش زدایی برای استحکام امنیت ملی تعریف شد (هینوش و احتشامی، ۱۳۸۷: ۲۰)

۶-۴. فرهنگ استراتژیک و سیاست تسلیحاتی ایران

سیاست تسلیحاتی اغلب کشورها متناسب با تغییراتی که در نظام‌های داخلی، منطقه‌ای و بین المللی رخ می‌دهد مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. دایره این تغییرات گاهی می‌تواند چنان وسیع باشد که موجب تحولاتی بنیادین در یک راهبرد نظامی شده و باعث شود که آن سیاست به طور کامل کنار نهاده شود و سیاست جدیدی مبنای عمل قرارگیرد. کالین گری در کتاب «سلاح، جنگ افروزیست» می‌گوید: که فرایند دستیابی به تسلیحات به شدت تحت تأثیر سه عنصر «احساس خطر»، «امکان یا عدم امکان دستیابی به برخی سامانه‌های تبلیغاتی»، «فرهنگ استراتژیک و افکار عمومی» قرار دارد (گری، ۱۳۸۷: ۱۲۱). همچنین گلاس در این زمینه تأکید دارد که کشورها به این دلیل مبادرت به خرید تسلیحاتی می‌کنند که با تهدید و بحران مواجه می‌شوند. هیچگاه نمی‌توان تهدید و بحران را نادیده گرفت. بنابراین تدوین سیاست تسلیحاتی، متناسب با نوع بحران‌ها شکل می‌گیرد. اگر در حوزه منطقه‌ای، ناپایداری و ناامنی وجود داشته باشد، این نوع ناامنی منجر به حداکثر سازی بحران برای کشورهای منطقه خواهد شد. در چنین شرایطی بین هرج و مرج، بحران شکل بندی‌های نظامی، مسابقه تسلیحاتی کشورها و نوع فرهنگ استراتژیکی که در این زمان اتخاذ می‌کنند ارتباط مستقیم وجود دارد (کرمی، ۴۷: ۱۳۸۰). زمانی که کشور ایران با تهدیدهای ساختاری و کارکردی روبه رو می‌شود، انگاره‌های امنیتی فرهنگ استراتژیک در ادراک رهبران و مقام‌های عالی‌ی آنان تقویت می‌شود؛ زیرا آنان برای مقابله با تهدیدها نیازمند ابزارهای متنوعی خواهند بود که تهیه و به کارگیری این ابزارها با هزینه‌های عمده‌ای برای کشور همراه می‌گردد. نکته حائز اهمیت آن است که ایران سیاست تسلیحاتی خود را در رابطه مستقیم با مؤلفه‌ی امنیت درون ساختاری و ناامنی‌های برون ساختاری پایه ریزی کرده و با توجه به این مطلب، حول امنیت ساختاری، اقدام به خرید فزاینده تسلیحات می‌نماید. پس سیاست تسلیحاتی می‌تواند نماد رقابت، جدال و تعارض بین کشورها باشد و علت اصلی ارتقای ظرفیت تسلیحاتی ایران و افزایش قابلیت‌های آن به گونه‌ای است که آمریکا نمی‌تواند این کشور را در معالیه‌های منطقه‌ای

نادیده بگیرد یا به آن بی‌اعتنا باشد. سیاست تسلیحاتی ایران اغلب مبتنی بر دو هدف عمومی ایجاد «امنیت ملی و منطقه‌ای» و «توسعه و پیشرفت» بوده است. این دو عامل در اجرای سیاست خارجی در قالب دو رویکرد عملگرایانه و ایدئولوژیک ظاهر شده و همواره تلاش کرده‌اند تا یکدیگر را به نوعی متعادل کنند (رستمی، ۱۳۸۲: ۷۱). در دهه ۱۹۹۰ ایران قادر گردید بخشی از نیازهای تسلیحاتی خود را در داخل تولید نماید. بودجه نظامی ایران به منظور خرید و انعقاد توافق نامه‌های جدید تسلیحاتی، حول محور کشورهای شرقی مانند روسیه، چین، اروپای شرقی می‌چرخد. تجربه ایران در پی تحریم تسلیحاتی و تداوم تلاش‌های آمریکا برای مزوی کردن آن، باعث خود اتکایی کشور ایران در صنایع نظامی و رفع نیازهای ضروری شد. از این رو، خود کفایی و افزایش تجهیزات نظامی ایران متناسب با مقاصد دفاعی و نه تهاجمی تنظیم شده است. بنابراین می‌توان گفت سیاست تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد هدف‌های نظامی، با حداکثر کردن تسلیحات به جلو می‌رود و بریک فرهنگ استراتژیک تدافعی، موازنه گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد، تنش زدایی و همکاری تأکید دارد. (ساعد، ۸۰: ۱۳۸۰).

۶-۵. فرهنگ استراتژیک ایران در جنگ تحمیلی

جمهوری اسلامی ایران ناخداگاه به جنگی تمام عیار فراخوانده شد که براساس پیش بینی کارشناسان نظامی و سیاسی، توان مقابله‌ی ایران سه روز بود. اما پس از هشت سال دفاع دلیرانه رزمندگان، نه تنها دشمن نتوانست یک وجب از خاک کشور ایران را اشغال کند، بلکه در اوج درماندگی و عجز قرار گرفت، و همگان به عظمت، پایداری و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتراف نمودند. این امر فرهنگ استراتژیک ایران را در مورد اهمیت تاریخ حساس می‌کند، در واقع توجه به تاریخ در فرهنگ استراتژیک از این جهت است که برای طرح پرسش‌هایی صحیح در مورد انگیزه‌ها، تصوریگران از ما، درک الگوهای رفتاری دیگران باید آگاهی خوبی از گذشته و تاریخ داشته باشیم (منصوری لاریجانی، ۱۳: ۱۳۷۹). بنابراین در باره تاریخ جنگ تحمیلی باید گفت حضرت امام ره به عنوان رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا در حالی که پس از پیروزی انقلاب در حال طراحی نظام جدید و استقرار آن بود، با بحران‌های سیاسی-امنیتی، نظامی، جنگ و اشغال مواجه شد. از نظر امام ره میان نتایج جنگ و امنیت کشور با استقرار نظام و حتی صدور انقلاب، نوعی پیوستگی وجود داشت. ناتوانی در آزدسازی مناطق اشغالی در سال اول جنگ، همراه با تشدید اختلافات سیاسی، چشم انداز آینده کشور را به خطر انداخته بود و حفظ نظام، تأمین امنیت و ثبات کشور و تداوم

انقلاب با چالش‌های اساسی همراه بود. در این شرایط فرهنگ استراتژی امام ره برای گذر از این وضعیت حل و فصل مسائل سیاسی-امنیتی کشور و برقراری ثبات سیاسی بود؛ زیرا برقراری ثبات سیاسی، پیش شرط پیروزی نظامی بود و دشمن در آن شرایط به اختلافات داخلی بیش از قدرت نظامی ایران، اهمیت می‌داد. در چهارچوب این استراتژی امام با فاصله گرفتن از مناقشات سیاسی، طرفین را به ضرورت وحدت و توجه به شرایط کشور و تأکید بر اصلی بودن مسئله جنگ دعوت و تأکید کردند جنگ را سرلوحه همه امور قرار دهید تا به پیروزی ختم شود. امام ره در چهارچوب استراتژی جدید خود در گام نخست آگاه سازی مردم را شروع کرد. در چهارچوب روش آگاه سازی مردم امام سال ۱۳۶۰ را به عنوان سال قانون اعلام کرد و تأکید کرد «همه باید به قانون پایبند باشند». حرکت اصلی امام در صحنه سیاسی کشور با فراخوانی مردم به صحنه بود و با حضور مردم در صحنه، موازنه سیاسی تغییر کرد و به موازات آن طرح ریزی برای آزادسازی مناطق اشغالی و برقراری امنیت، شرایط سیاسی-نظامی کشور تغییر کرد (درودیان، ۱۴۹: ۱۳۹۴). در این دوران که فرهنگ استراتژی‌های دفاعی و تهاجمی براساس مبانی کلاسیک و علوم نظامی تعریف می‌شوند؛ امداد دفاع مقدس، دنیا با شکلی از دفاع مواجه شد که نیروی انسانی واراده درونی، نقش اول در دفاع داشت. عنصر ایمان و عشق به خدای متعال، امروزه مقوله‌ای است که در محافل علمی و نظامی جهان به عنوان یک استراتژی نوین مورد مطالعه است. فرهنگ استراتژیک از متغیرهای کلیدی در تعیین سرنوشت سیاست‌ها و برنامه‌های دفاعی دولت‌هاست، اهمیت فرهنگ استراتژیک در امنیت ملی و سیاست تسلیحاتی به این نکته اشاره دارد که پیروزی در جنگ مستلزم بهره برداری هوشمندانه از پتانسیل‌های فرهنگ استراتژیک است. برای مثال تحریک ابعاد تهاجمی فرهنگ استراتژیک با وجود اینکه ممکن است موفقیت‌های تاکتیکی به دنبال داشته باشد اما تضمین کننده پیروزی نهایی نیست. بنابراین می‌توان گفت که بهره برداری هوشمندانه سیاستمداران ایران از ظرفیت‌های فرهنگ استراتژیک، زمینه را برای پیروزی نهایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تسهیل کرد (رستمی، ۶۹: ۱۳۸۲).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فرهنگ استراتژیک بر سیاست تسلیحاتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت. از این رو در پایان می‌توان گفت

فرهنگ به عنوان میراث مشترک بشریت همواره عامل انسجام، ارتباط و گفتگوی مسالمت آمیز میان تمدن‌ها بوده است. با ارزش‌های فرهنگی است که زمان گذشته و حال که حالت سطح دارد، ژرفا خواهد یافت. این مفهوم فرهنگ که در کلیت امر میراث مشترک بشریت است با مفهوم تمدن هم‌نوایی دارد و هر جا بحثی از فرهنگ می‌شود تمدن نیز مطرح است. برای همین فرهنگ و تمدن را معمولاً مترادف هم به کار برده اند. در رهیافت فرهنگ استراتژیک روشی برای شناختن عمیق‌تر و دقیق‌تر مسائل امنیتی است. براین اساس فرهنگ استراتژیک، هم باید زمینه شکل‌گیری رفتار و هم یکی از مؤلفه‌های آن به حساب آورد، براساس این دیدگاه استراتژی امنیت ملی می‌تواند جوانب زیادی داشته باشد که یکی از آنها جنبه فرهنگ استراتژیک است. الگوی استراتژیکی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس مؤلفه یادگیری برم‌محور آموزش استراتژیک بنا نهاده شده است و اگر هر دولتی بتواند در حوزه‌های مختلف خود، علی‌الخصوص در حوزه امنیت ملی، نهادهای درونی خود را آموزش دهد و جهت‌دهی کند در عرصه‌ی عمل و تأمین امنیت ملی خود بهترین راهبرد را اتخاذ خواهند کرد. چنین نگرشی به الگوی تأمین امنیت باعث می‌شود تا نقش دولت در فرهنگ بازتاب عمیقی بر تصمیم‌گیری استراتژیک داشته باشد. بنابراین باید گفت که فرهنگ برای همه کشورها مهم است و برای جمهوری اسلامی ایران مهم‌تر؛ زیرا اساس شکل‌گیری جمهوری اسلامی، با جهت‌گیری هویت فرهنگی است. بنابراین تکیه بر هویت فرهنگی، به دلایل کاملاً سیاسی، برای جمهوری اسلامی ایران ضروری و راهبردی است. در همین راستا، یکی از مسائل فرهنگی و هویتی مهم، فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. در تاریخ هشت ساله‌ی دفاع مقدس با توجه به اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران با خواست خود مردم تشکیل شده بود و مردم در برابر سرنوشت خود و کشور احساس مسئولیت می‌کردند با اشتیاق فراوان در جنگ حضور پیدا کردند. لذا امروزه باید برای مقابله با دشمن این سیاست‌ها و استراتژی‌ها چه سبک و سیاقی داشته باشند مؤثر است. باید به یاد داشت که هدف از اقدام‌ها و راهبردهای تدافعی جز در موارد نادری تنها دفاع در برابر حملات دشمن نیست، بلکه هدف از آن، ایجاد و تقویت این تصور است که هرگونه حمله دشمن با پاسخی دندان شکن مواجه خواهد شد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). فرهنگ وامیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۰). انتخاب‌های تسلیحاتی ایران مسائل و تحلیل‌ها، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش.
- بلباسی، میثم و اسفندیاری، شهرام (۱۳۹۲). هویت مطلوب در بسترالگوی بومی پیشرفت (بارویکرد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات ملی، ۱۴ (۵۶)، ۹۵-۱۱۹.
- ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰). فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی، مطالعات راهبردی، ۱۴ (۵۴)، ۱۳۵-۱۶۲.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). قوای مسلح در اندیشه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲). کلمات قصارپندها و حکمت هادرکلام امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خودسیانی، مصطفی و مقیسه، رضا (۱۳۹۳). الگوی آمادگی دفاعی ورزمی در اندیشه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات دومین همایش اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی-سیاسی وزارت دفاع.
- درویدیان، محمد (۱۳۹۴). جنگ ایران و عراق موضوعات و مسائل، تهران: نشر سمت، چاپ دوم.
- درویشانی، حسن (۱۳۹۳). دفاع هوشمند و قدرت معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای، مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی-سیاسی و پشتیبانی.
- رستمی، علی اکبر (۱۳۸۲). نقش غرب در رقابت تسلیحاتی منطقه خلیج فارس (با تأکید بر آمریکا)، تهران، سایه روشن.
- رشاد، افسانه (۱۳۸۸). آماد و پشتیبانی در عصر جداسازی حوزه‌های ژئوپلیتیکی، راهبرد دفاعی، ۷ (۲۶)، ۵۹-۸۴.
- ساعد، نادر و علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰). دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی ۹ (۳۴)، ۸۵-۱۲۰.
- سندچشم انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲) قابل دسترسی در www.Dolat.ir

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، جلد اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

عسگری، محمود (۱۳۹۳). خاستگاه نظری دفاع هوشمند در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی.

عسگری، محمود (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک، راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره دهم، فرشچی، علیرضا؛ صنیع اجلال، مریم و مقدم، محمدحسین (۱۳۸۸). فرهنگ راهبردی و آمایش های دفاعی در مناطق مرزی، سیاست دفاعی، ۱۸ (۶۹)، ۲۱۷-۲۴۶.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱). فرهنگ راهبردی و دفاع ملی، مطالعه موردی جنگ تحمیلی، مطالعات راهبردی، ۱۵ (۵۷)، ۳۱-۵۰.

قنبری، آیت (۱۳۸۸). اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، تهران: زمزم هدایت.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۷۴). سیاست شناسی: مبانی علم سیاست، تهران: سمت.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، سیاست دفاعی، ۱۰ (۳۴)، ۸۱-۱۳۲.

کلانتری، نصرالله (۱۳۹۳). دیپلماسی دفاعی اسلامی ایران و دفاع هوشمند، دومین همایش تبیین اندیشه‌های تثبیت اندیشه‌های امام خامنه‌ای، جلد دوم، تهران: سازمان عقیدتی - سیاسی بسیج. گری، کالین (۱۳۷۸). سلاح جنگ افروزیست، ترجمه احمد علیخانی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). ایران در راهبرد و سیاست خارجی اوباما، نامه دفاع، راهبرد دفاعی، ۲۵.

مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸). فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی، تهران: وزارت دفاع.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۹). کارآمدی حیات دفاع فرهنگی، تهران: وزارت دفاع.

واعظی، محمود (۱۳۸۹). نظام نوین بین الملل و مدیریت بحرانهای بین المللی، راهبرد، ۱۹ (۵۶)، ۷-۴۲.

واعظی، محمود (۱۳۸۷). رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامون.

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/11176>

هینبوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۲). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی

گل محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Ayoob,m, (1995).the third world security predicament.cunited state Linne Rinner publisher.Rutledge.

Duffield, g(1998).sterategic defens,ac,at,23.

Legro,danil(1993).op.cit:29.

Verba, Sidney(1965),political culture and political development,volume
Princeton,N.J.princeton University press.

Snyder,juckl(1977)the soviet sterategic culture:Impications for limited
nuclear operation,aproject air force report prepared for the United
state.

Lantis, Jeffery. (October 2005),”Strategic Culture: from Clausewitz to
Constructivism”, Strategic Insights, Volume IV, Issue 10.